



## تاریخچه

# مدرسه سعادت

# بوشهر

مهدی فتوت  
دبیر تاریخ بندر بوشهر

اشاره: در سال گذشته کنگره بزرگداشت مدرسه سعادت در بوشهر برگزار شد که شرح آن در بخش «اخبار» آمده است. مقاله حاضر به همین مناسبت ارائه می‌گردد.



در تاریخ معاصر، تشکیل انجمن معارف در تهران و نهضت تشکیل مدارس نوین به سال ۱۳۱۵ هـ. ق را باید به نوعی مقدمه انقلاب آموزشی در ایران دانست، و به تحقیق تأسیس مدرسه سعادت بوشهر در سال ۱۳۱۷ هجری قمری را نیز باید سرآغاز تحول آموزشی فرهنگی در جنوب ایران برشمرد که به نوبه خود در رشد و تکامل این انقلاب نقش بسزا و موفقیت آمیز ایفا کرد. بی تردید بنیان مدرسه سعادت بوشهر، احمدخان دریابگی و برادران سعادت به عنوان پرچمداران نهضت آموزشی در جنوب با تأسیس، حفظ و تداوم این نهاد فرهنگی، جایگاهی رفیع را در تاریخ معاصر جنوب برای خود فراهم دیده اند.

میرزا احمدخان دریابگی تبریزی پسر ناظم هزارسار حکمران بوشهر (بار اول ۱۳۲۰ - ۱۳۱۰ هـ. ق بار دوم ۱۳۲۷ - ۱۳۲۵ هـ. ق) که خود از پرورش یافتگان دارالفنون در رشته مهندسی بوده، دو سال پس از تشکیل انجمن معارف در سال ۱۳۱۷ هـ. ق به فکر تأسیس مدرسه ای جدید برای تربیت و آموزش نونهالان و نوجوانان این سامان افتاد. اهمیت نقش دریابگی تنها در تأسیس کانون اولیه نهاد آموزشی نوین خلاصه نمی شود. با افزایش تعداد دانش آموزان از ۲۰ نفر در سال ۱۳۱۷ هـ. ق به ۳۵۰ نفر در سال ۱۳۱۸ هـ. ق و پس از اصرار و راهنمایی اولیاء مدرسه از جمله برادران سعادت، دریابگی نقش مهم تری ایفا نمود. به توصیه احمدخان دریابگی، در محدوده خارج از حصار شهر (۱۰۰ متری جنوب محله کوتی)، قطعه زمینی به مساحت دو هکتار برای بنای ساختمان مدرسه جدید که گنجایش پذیرش انبوه دانش آموزان مشتاق را داشته باشد، اختصاص یافت. دریابگی حتی موفق شد با قرار دادن نام سعادت مظفری به اسم شاه وقت مظفرالدین شاه، حمایت و مساعدت دولت را برای تأمین بودجه اولیه مدرسه جلب کند.

هر چند احمدخان دریابگی در سال ۱۳۲۰ هـ. ق از حکومت بوشهر منصرف شد، ولی چند سال بعد در سال ۱۳۲۵ هـ. ق ۱۲۸۶ هـ. ش بنا به دستور محمدعلی شاه قاجار (پسر و جانشین مظفرالدین شاه) مجدداً حکمران بنادر شد. دریابگی هنگامی که متوجه شد مدرسه با کسری بودجه مواجه است و ادامه حیات مدرسه - نهادی که خود را از مؤسسان آن می دانست - امکان پذیر نیست، موفق شد با ابتکاری جدید بودجه مورد نیاز مدرسه را تأمین کند. وی این بار نه تنها از تجار، بزرگان و متولیان شهر بلکه از کارگزاران انگلیسی در بوشهر برای دیدار و بازدید از مدرسه و نظارت بر امتحان پایان دوره دعوت به عمل آورد. نتیجه کار بسیار رضایتبخش بود.

حدود ۱۴ نفر از مقامات و بزرگان مبالغ هنگفتی را به شکل هدیه یا دایمی و مستمر به مدرسه اعانه کردند.

اما برادران سعادت نه تنها به عنوان اولین مجریان موفق اجرای نظام جدید تعلیم و تربیت در بوشهر و ایران باید یاد کرد، بلکه ایشان در پیشنهاد تأسیس مدرسه سعادت، یعنی مدرسه ای که درخور برنامه نوین آموزشی باشد نقش اساسی داشتند. از این میان شیخ محمدحسین سعادت به عنوان اولین مدیر و معلم این مدرسه مقامی ویژه دارد. شیخ عبدالکریم سعادت متولد ۱۲۹۷ هجری قمری (برادر شیخ محمدحسین) نیز از همان اول کودکی همچون برادر و اجدادش به تحصیل علوم و معارف علاقمند بود. وی در هفت سالگی یعنی از سال ۱۳۰۴ هـ. ق که به همراه پدر به کازرون رفت تحصیلات مقدماتی را آغاز کرد. عبدالکریم در سال ۱۳۱۶ هجری قمری هنگامی که ۱۹ ساله بود به شیراز رفت و در مدرسه سید علام الدین حسین نزد علمای آن دیار به ادامه تحصیل پرداخت. چندی بعد برادر بزرگ وی شیخ محمدحسین در اواخر ذی قعدة ۱۳۱۷ از تهران به شیراز نزد ایشان آمد و او را برای همراهی در اداره مدرسه نوین بوشهر (سعادت) به یاری خواست. برادران سعادت در ذی الحجه همان سال به بوشهر آمدند. بدین ترتیب ورود برادران سعادت به بوشهر در ذی حجه ۱۳۱۷ و به دست گرفتن اداره و معلمی مدرسه نوین و نیز پیشنهاد تأسیس مدرسه ای بزرگ و متناسب با آموزش و پرورش نوین در سال ۱۳۱۸ هـ. ق سرانجام تحول فرهنگی و آموزشی در بوشهر شد.

ذکر عموم کارها و خدمات برادران سعادت در سازمان و انتظام مدرسه سعادت و امر تدریس، خود مبحث مفصلی است. اما در این جایی توان اهم فعالیت ها و نقش برادران سعادت را که ۱۰ سال پیش از اجرای برنامه نظام آموزشی نوین و تقریباً بدون الگوی مدون و صرفاً با ابتکار و توانایی های شخصی و علمی خود به اداره مدرسه و امر آموزش اقدام کردند، به شرح ذیل برشمرد:

۱- سازمان دهی اداری و آموزشی مدرسه به شیوه ای ابتکاری و بدون الگوی از پیش مدون شده؛ قبل از تأسیس این مدرسه، یعنی از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۷ هـ. ق در تهران نزدیک به شش مدرسه ساخته شده بود. ولی از آن میان تنها مدرسه علمیه قابل توجه بود. اواسط ذی الحجه ۱۳۱۵ هـ. ق، انجمن معارف به ریاست احتشام السلطنه، طرح مدرسه علمی و ابتدایی را مطرح کرد. دو سه روز بعد، این مدرسه با مدیریت علی خان ناظم الدوله آغاز به کار کرد. در واقع مدرسه علمیه ابتدا جهت تحصیل فرزندان اعیان و اشراف که در دارالفنون یا در خانه های خود مختصر تحصیلی کرده بودند، برپا شد. لذا مدرسه علمیه از همان ابتدا تحت حمایت مالی اولیاء متمول فرزندان و نیز کمک صندوق اعانه انجمن معارف از یک سو و پشتیبانی علمی متشکل از بهترین مدرسان تهران بهره برد. «بالجمله مدرسه علمیه قوای معارف خواهان را در خود متمرکز می نماید. بهتر اشخاص را

از معلمین و اعضاء هر دو قسمت خویش جلب می نماید. چنان که مدیر محترم آن، علی خان ناظم العلوم دارای دیپلم از مدرسه پلی تکنیک پاریس و لایق ترین اشخاص است در میان همگان خود محمد کاظم خان دشتی ناظم قسمت علمی و محمد صنی خان ناظم قسمت ابتدایی مدرسه از اشخاص لایق شمرده می شود و برای تدریس فارسی و عربی نیز معلم از بهترین اشخاص انتخاب می گردد. شیخ محمد رفیع نظری که در تدریس با اسلوب جدید مهارت دارد، برای تدریس این مدرسه، مخصوصاً جلب می شود و از کار تدریس عربی او تمجید می گردد. مدرسه علمیه از بابت مالیه نگرانی ندارد. زیرا که قسمتی از مالیه آن را محصلین می پردازند.

صندوق اعانه (انجمن معارف) هم که وجه قابلی جمع آوری نمود از ادای کسری بودجه درین نمی نماید.

ولی همین مدرسه نیز در بدو فعالیت و تا مدت ها بعد، از عدم مدیریت مجرب و کارآمد در رنج بود. بقیه مدارس تهران نیز در آن برهه از جهت علمی و مالی در مقایسه با مدرسه علمیه قابل توجه نبودند. تنها زمانی که در سال ۱۳۱۶ هـ. ق به دستور نیرالملک وزیر علوم، مخبر السلطنه هدایت (پسر برادر نیرالملک از رجال سیاسی و علمی

سازماندهی معلمان کتب درسی و نحوه انتظام مدیریت مدرسه سعادت بوشهر در سال ۱۳۱۷ هـ. ق به بعد بیش از پیش نقش و اهمیت کار متولیان مدرسه سعادت بویژه برادران سعادت در آن زمان و حتی در این دوره را هویدا می کند و از این جهت نوآوری های برادران سعادت (بدون وجود الگوی مدون قبلی) در تحقق موفقیت آمیز آموزش و پرورش نوین را در خور تحسین می سازد.

۲- تأکید بر فضا سازی و امکانات آموزشی مدرسه متناسب با تعداد دانش آموزان؛ اساساً با پیشنهاد این بزرگواران، احمدخان دریابگی به تأسیس مدرسه سعادت در خارج از حصار شهر در محل کنونی آن مبادرت کرد.

۳- تهیه کتب متناسب ابتدایی و تألیف اولین کتب مدارس ابتدایی آموزش و پرورش نوین برای بوشهر و سایر نواحی جنوب ایران بعنوان الگویی برای تألیف سایر کتب درسی در ایران و کشورهای همسایه؛

شیخ عبدالکریم در این باره می نویسد: «در ابتدا از طهران [تهران] مرحوم آقا شیخ محمدحسین به همراه خود قریب ۲۰۰ الی ۳۰۰ جلد کتاب ابتدایی فارسی ... و چند جلد



کتاب حساب ... و چند جلد جغرافیا ابتدایی و چند جلد شریعت ... و چند جلد خلاصه الصرف عربی برای تدریس شاگردان به مدرسه آورد ... تا این که آقای حاج شیخ عبدالکریم سعادت ... در عرض مدت سه چهار سال، پنج جلد کتاب قرائت فارسی موسوم به میزان التعليم و یک دوره حساب جدید، سه جلد کتاب جغرافی و یک دوره شریعت برای سه سال و یک کتاب صرف عربی [و نیز کتابی تحت عنوان آداب پرورشی جوانان] تألیف و در بمبئی به بهترین شکلی طبع و در دسترس شاگردان قرار گرفت، و کتب مزبور مخصوصاً تا مدت ۱۵ سال در مدارس بوشهر و عباسی و اهواز و خرمشهر و مدارس عراق و بحرین و مدارس هندوستان برای ایرانیان رایج و مورد استفاده بود و اخیراً در شیراز و کازرون مورد استفاده

دوره قاجار) به عنوان سرپرست مدارس تهران و مدیر مدرسه علمیه تعیین شد حاج مهدی قلی خان هدایت نیز با پشتیبانی بودجه ۶۰۰ تومانی و اعانه ۱۴۰ تومانی دولت مدرسه را سازماندهی کرد و با ابتکاراتی از جمله تألیف کتب آموزشی، امور مدرسه را سر و سامانی داد. به روشنی معلوم است که متولیان اداره مدارس جدید در مرکز ایران (تهران) نیز طرح و برنامه مدونی برای اجرای آموزش و پرورش نوین نداشته و در آغاز کار، از خود ابتکار عمل به خرج دادند. بدیهی است اگر برنامه مدونی هم بوده است، به شکل کشوری توسط وزارت علوم یا انجمن معارف وقت به تمامی مدارس جدیدالتأسیس کشور ابلاغ نشده و حداقل در این باره مدرک و یا سندی ارائه یا مشاهده نشده است. مقایسه اجمالی میان شیوه آموزشی،

شاگردان مدارس قرار گرفت و معظم له - از این راه خدمت بزرگی به فرهنگ و معارف نمود و این نقیصه بزرگ را از مدارس بنادر فارس مرتفع گردانید و بعدها مؤلفین به همان شیوه و رویه شروع به نوشتن کتاب های تدریسیه کلاسیکی به طرز کتب مزبور نمودند .

۴- درجه بندی دانش آموزان و سازماندهی معلمان و تدوین برنامه منظم آموزشی ؛ در آغاز تأسیس مدرسه به سال ۱۳۱۷ هـ. ق برادران سعادت دانش آموزان را به فراخور سن و معلومات جزئی به گونه امروزی به سه درجه ۱- مقدماتی (یا به تعبیر امروز، پیش دبستانی) ۲- کلاس اول ۳- کلاس دوم، تقسیم کرده و بر مبنای آن، معلمان را سازماندهی کردند . اما با افزایش تعداد دانش آموزان و همچنین نیاز به ادامه تحصیل دانش آموزانی که دوره سه ساله مذکور را طی کرده بودند به تدریج دوره تحصیلی تا کلاس ششم ارتقا یافت . دانش آموزان یا سپری کردن این دوره هفت ساله فارغ التحصیل نمی شدند . ظاهر این دوره هفت ساله تا ۱۶ ساله بعد از تأسیس مدرسه که برادران سعادت همچنان در اداره آن نقش اساسی داشتند، ادامه یافت . مرحوم سدیدالسلطنه بندرعباسی که حدود ۱۴ سال بعد یعنی موقعی که در بوشهر بود هنگام معرفی مدرسه سعادت به این موضوع تصریح دارد :

«مدرسه سعادت بوشهر هفت درجه دارد؛ ابتدایی و شش درجه دیگر . معلمین درجه ابتدایی [مقدماتی] ۸ نفر بودند، درجه اول ۵۰ نفر، درجه دوم ۵۰ نفر، درجه سیم ۴۰ نفر، درجه چهارم ۳۰ نفر، درجه پنجم ۲۰ نفر، درجه ششم ۱۵ می باشد . به نظر می رسد بعدها نیز کلاس هفتم به آن اضافه شده باشد . سال تحصیلی ۱۲ ماه سال بود و مدرسه در طول این مدت به استثنای روزهای جمعه، ایام سوگواری و روزهای متبرکه و اعیاد ملی و مذهبی، باز بود . هر روز شاگردان در ۲ شیفت، چهار ساعت صبح و دو ساعت بعدازظهر به تحصیل مشغول بودند . امتحانات نیز به دو شکل ماهانه (خصوصی توسط هر معلم) و سالانه (عمومی و نهایی) گرفته می شد .

معمولاً دانش آموزان فارغ التحصیل شده از دوره هفت یا هشت ساله، بنا به نیاز میرم ادارات دولتی یا تجارت خانه ها یا حتی نیاز خود مدرسه، بلافاصله با حقوق و مزایای کافی جذب بازار کار می شدند . در طول مدت حضور ۱۶ ساله برادران سعادت، این مدرسه سالانه ۳۰ نفر فارغ التحصیل (در حد لیسانسیه های امروزی) جهت خدمت و فعالیت به جامعه وقت عرضه می داشته است .

۵- تشکیل اولین هیأت و کلاس مدرسه در بوشهر؛ علاوه بر مدیریت قوی شیخ عبدالکریم و همکاری دلسوزانه سایر معلمان مدرسه سعادت برای ادامه بقا و تأمین هزینه ها و استفاده از مشارکت عمومی مردم، از سال ۱۳۲۰ هـ. ق دارای هیأت و کلاس شد که با اشراف و اختیارات و توان مالی در تأمین بودجه مدرسه یاری می رساندند و بر اداره بهتر آن نظارت می کردند .

به تحقیق می توان موارد دیگری نیز برشمرد که نمودار جد و جهد

اولیای مدرسه سعادت بوشهر و نیز نشان دهنده نوآوری های گره گشای آنان در راه نیل بر فضای بازر آموزش، علمی و تحقق بیش از پیش تحول آموزشی در بوشهر باشد . جامعه ایران اولین تحولات و انقلاب آموزشی خود را مدیون نخستین پیشگامان تحول آموزشی همچون امین الدوله و انجمن معارف در تاریخ معاصر می بیند و می داند . مع الوصف اهمیت خدمات و طرح های ابتکاری اولیای مدرسه سعادت به ویژه برادران سعادت، زمانی جایگاه خود را بازمی یابد که معلوم شود در برهه مورد نظر یعنی از سال ۱۳۱۵ هـ. ق به بعد، حتی دولت و وزارت علوم وقت در تهران نیز علاقه خاصی برای ایجاد تحول اساسی در نظام آموزشی بسته به ابتکارات ارائه و ابزار نداشته اند، و هرگونه تحول آموزشی بسته به ابتکارات و تلاش های فردی همچون امین الدوله (صدر اعظم) و یا نهادهای مردمی چون انجمن معارف بود . یحیی دولت آبادی در این باره می نویسد :

«بدیهی است اشخاصی که تاکنون [تا سال ۱۳۱۵ هـ. ق] در کار تعلیم و تعلم رسماً دخالت داشته اند از این گونه افکار [توسعه معارف و آموزش] غالباً بی بهره بوده اند و دایره معلومات و احساسات آنها محدود بوده است . وزارت علوم در این وقت [تا سال ۱۳۱۵ هـ. ق] عبارت است از ریاست دارالفنون ... در این صورت پیدا است وزارت علومی که کارش تنها ریاست دارالفنون است آنهم دارالفنون لفظی چه موضوعی خواهد داشت که بتواند سلسله جنبان امناس معارف وسیع عمومی بوده باشد .» حتی پس از تشکیل رسمی انجمن معارف در شوال ۱۳۱۵ هـ. ق، و با حمایت جدی و معنوی امین الدوله و کمک مالی مظفرالدین شاه و به تبع آن آغاز نهضت مدرسه سازی در تهران، بررسی جلسات هفتگی و منظم این انجمن گواه است که حتی این فرهنگ دوستان نیکوکار نیز در بادی امر طرح مدون خاصی برای اجرای برنامه عظیم و وسیع تحول آموزشی نداشتند و به مرور ایام و کسب تجربه بیشتر، نظام آموزشی نوین در عصر مظفیری به همت آنان شکل گرفته است .

مقایسه نوآوری های آموزشی و اداری برادران سعادت و اولیای مدرسه همچون هیأت وکلا، یا نحوه فعالیت انجمن معارف در تهران - که در جلد یکم حیات یحیی - به تفصیل توصیف شده است - این موضوع را هویدا می سازد که همزمان با انجمن معارف در تهران، اولیای مدرسه سعادت بوشهر، در مقیاسی کوچکتر، منظم و فعال به اجرای موفقیت آمیز طرح توسعه فرهنگی آموزشی نوین در ایران مشغول بوده اند بنابراین شاید بتوان گفت که در تاریخ معاصر ایران اجرای طرح بزرگ تحول آموزشی یا به نوعی انقلاب آموزشی، محصول مشترک همت و تلاش توأمان انجمن معارف و برخی متولیان مدارس چون علمیه در تهران و اولیای مدرسه سعادت در بوشهر بوده است .

